

## نقش دیوان محاسبات کشور در کاهش هزینه‌های دستگاه قضایی دادگستری

پیمان حاج محمودعطار<sup>۱</sup>

بتول پاکزاد<sup>۲</sup>

مهدی اسماعیلی<sup>۳</sup>

فتح‌الله رحیمی<sup>۴</sup>

### چکیده

دستگاه قضایی دادگستری، سازمانی است که عهده دار رسیدگی به نقض قانون و امنیت و نظم عمومی و حقوق شهروندی از طریق اعمال واکنش اجتماعی مناسب، مجازات و سایر تنبیهات قانونی نسبت به ناقضان می‌باشد. برابر اصل ۱۵۶ قانون اساسی ج.ا.ا. قوه قضاییه، دستگاه قضایی دادگستری می‌باشد و تعقیب خاطیان از قانون و مجازات آنان و نیز پیشگیری از جرم، عهده این قوه است. انجام وظایف قوه قضاییه از بدو شناسایی متهمین تا دستگیری و محاکمه و مجازات محکومین، مستلزم هزینه‌های بسیاری می‌باشد. این در حالی است که در قانون اساسی یک نهاد قضایی غیردادگستری دیگر در کنار قوه قضاییه، عهده دار رسیدگی به هرگونه انحراف از قانون در بخش جرایم مالی می‌باشد. این نهاد، دیوان محاسبات کشور نام‌گذاری شده است. دیوان محاسبات کشور به موجب اصل ۵۴ قانون اساسی و قانون دیوان محاسبات کشور مصوب ۱۳۶۱ و اصلاحیه ۱۳۷۰ تشکیل شده است و عهده دار انجام وظایف مقرر در اصل ۵۵ قانون اساسی است.

این پژوهش به بررسی نقش دیوان محاسبات کشور در کاهش هزینه‌های دستگاه قضایی دادگستری پرداخته است. نظریه این که رسیدگی به تخلفات مالی و اقتصادی شرکت‌ها و سازمان دولتی و عمومی که به نوعی از بودجه کشور ارتزاق می‌کنند، نیازمند رسیدگی سریع و تخصصی و با هزینه کمتر در مقایسه با هزینه‌های دستگاه قضایی دادگستری می‌باشد، در این راستا، قانونگذار تابعیه مکانیزم قضایی برای رسیدگی به تخلفات مالی، اعم از انحرافات بودجه‌ای و یا خسارات و ضرر و زیان‌های وارده به بیت المال، در هر شکل و شیوه‌ای که متضمن ایجاد نقصان در ابواب جمعی دولت می‌شود به این مهم توجه کرده است تا به واسطه رسیدگی به پرونده‌های مربوطه، از صرف هزینه‌های رسیدگی به این موارد که به محاکم قضایی دادگستری تحمیل می‌گردد، جلوگیری شده و این هزینه‌ها صرفه جویی گردد.

**کلمات کلیدی:** دیوان محاسبات کشور، کاهش هزینه، دستگاه قضایی دادگستری، داسرا، هیات مستشاری.

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد آیت‌الله آملی

۲. عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، نویسنده مسئول، پست الکترونیک:

d.b.pakzad@gmail.com

۳. عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قائمشهر

۴. عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال

### بیان مساله

از آنجایی که قوه قضاییه به عنوان نهاد دستگاه قضایی دادگستری، عهده دار برخورد با ناقضان قانون از جمله سوء استفاده کنندگان از وجوه و اموال دولتی و عمومی می‌باشد و برای رسیدگی به این نوع جرایم، نیازمند توسعه تشکیلات سازمانی و به تبع آن صرف هزینه‌های گزاف برای اداره این تشکیلات گسترده می‌باشد، به نظر می‌رسد وجود مراجع تخصصی قضایی غیردادگستری برای رسیدگی به این جرایم به ویژه تخلفات مالی، که از سرعت، دقت و تخصص کافی برخوردار باشد، می‌تواند هم موجب کاهش تعداد حجم پرونده‌ها و جلوگیری از اطاله دادرسی در مراجع قضایی گردد و هم موجب کاهش چشمگیر هزینه‌های دادرسی و رسیدگی برای دستگاه عدالت کیفری گردد. در این میان این پژوهش به این مساله می‌پردازد که آیا دیوان محاسبات کشور به عنوان یک نهاد قضایی غیردادگستری، توانسته است ضمن برخورد با مرتکبین تخلفات مالی و اقتصادی علیه دولت و نهادهای دولتی، هزینه‌های بسیار گزافی که در دستگاه عدالت قضایی (قوه قضاییه) بردولت تحمیل می‌شود را از طریق رسیدگی در این دیوان کاهش دهد و درعین حال نتیجه مورد دلخواه سیاست گذاران جنایی تقنینی کشور نیز در برخورد با مرتکبین جرایم اقتصادی و استرداد وجوه و اموال بیت المال، درعین رعایت اصل حداقلی مجازات و اصل لزوم مجازات‌های جایگزین حبس را تامین نماید یا خیر؟ این مقاله به رویکرد دیوان محاسبات کشور در این خصوص می‌پردازد.

### سوال اصلی تحقیق

سوال اصلی این پژوهش این است که آیا هزینه رسیدگی به تخلفات از نحوه استفاده از بودجه و تخلفات و جرایم مالی در دیوان محاسبات نسبت به مراجع قضایی کمتر است یا بیشتر؟

### سوال فرعی

با کاهش موارد صلاحیت دیوان محاسبات کشور پس از اجرای برنامه واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی (خصوصی سازی) آیا هزینه دستگاه قضایی دادگستری در رسیدگی به جرایم و تخلفات که در حدود صلاحیت دیوان محاسبات بوده، افزایش یافته است یا خیر؟

### فرضیه‌های تحقیق

#### فرضیه اصلی:

باتوجه گستردگی و پیچیدگی برخی جرایم و تخلفات مالی مدیران دستگاه‌های دولتی و نهادهایی که به نوعی از بودجه دولت ارتزاق می‌کنند، لزوم وجود یک دستگاه تخصصی به منظور نظارت بر نحوه هزینه کرد بودجه تخصیص یافته به این دستگاه‌ها و برخورد قانونی با متخلفین، خارج از رسیدگی‌های دستگاه قضایی دادگستری، هم از حیث سرعت در رسیدگی و استیفای حقوق تضییع شده بیت المال و هم در کاهش هزینه‌های انجام یافته در این راستا، درمقایسه با

رسیدگی به جرایم مالی متهمان این گونه جرایم و تخلفات در دادگستری، لازم و ضروری می‌باشد و در این راستا دیوان محاسبات کشور تشکیل شده است و رسیدگی دیوان محاسبات در رابطه با جرایم و تخلفات مالی دولتی، از هر دو جهت به صرفه تر برای دولت خواهد بود.

### فرضیه فرعی:

به دلیل برنامه خصوصی سازی و واگذاری برخی شرکت‌های دولتی به اشخاص حقیقی و حقوقی خصوصی، ابهاماتی در صلاحیت دیوان محاسبات کشور مطرح گردیده است و این امر به نظر می‌رسد از حدود صلاحیت این مرجع به عنوان این که این اموال از ماهیت دولتی‌شان خارج شده و به اشخاص خصوصی واگذار گردیده و رسیدگی به آن‌ها خارج از صلاحیت دیوان می‌باشد، کاسته است. لذا در مواجهه با موارد سوء جریان در نحوه واگذاری و تشریفات قانونی آن، نهادهای نظارتی و سازمان‌های دولتی واگذارکننده، به جای مراجعه به دیوان محاسبات کشور (تحت عنوان عدم صلاحیت این دیوان) به مراجع قضایی مراجعه می‌نمایند و افراد متهم و متخلف را از طریق این مراجع تحت تعقیب قرار می‌دهند. این اقدام موجب افزایش هزینه‌های دستگاه عدالت کیفری در رسیدگی به این گونه جرایم حائز اهمیت شده است. در این نوشتار به این موضوع پرداخته شده است که دیوان محاسبات کشور، در رسیدگی به کلیه مواردی که از بودجه تخصیص یافته به دستگاه اجرایی حتی در زمینه فروش شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی، تخطی گردیده است، صلاحیت رسیدگی و اتخاذ تصمیم در برخورد با خاطیان از قانون رادار می‌باشد.

### روش تحقیق

کتابخانه‌ای، تحلیلی، توصیفی و پرسشنامه‌ای می‌باشد.

### استانداردهای تحقیق

بررسی هزینه‌های رسیدگی در دیوان محاسبات کشور در مقایسه با مراجع قضایی دادگستری، سرعت رسیدگی و تخصیص بودن نحوه رسیدگی و سرعت در اعاده اموال و جبران خسارت در دو مرجع.

### مقدمه

دستگاه قضایی دادگستری عبارت است از مجموعه نهادهایی که برای برخورد با مرتکبین تخلفات و جرایم و تعقیب و محاکمه و مجازات آنان تشکیل یافته‌اند. از نهاد پلیس و ضابطان دادگستری گرفته تا دادرسان و قضات آن (دادیاران و بازپرسان و دادستان‌ها) و دادگاه‌های نخستین، دادگاه‌های تجدیدنظر، دادستانی کل کشور، دیوان عالی کشور و اجرای احکام کیفری. همه این نهادها، دستگاه عدالت کیفری را شامل می‌شوند.

برای بررسی یک انحراف و نقض قانون و تعقیب یک مرتکب جرم در این مجموعه بسیار گسترده

از زمان کشف جرم تا کیفررسانی مرتکب، هزینه و وقت بسیاری صرف می‌شود. نظر به این که نحوه ارتکاب جرایم مالی و اقتصادی علیه دولت و اموال دولتی و لزوم رسیدگی سریع و تخصصی به این گونه جرایم در راستای استرداد وجوه و اموال بیت‌المال و افزایش تضمینات مناسب جهت جبران خسارات وارده به اموال دولتی و بودجه کشور و برخورد با متخلفان در یک نظام دادرسی سریع و عادلانه و تخصصی، لزوم تاسیس یک نهاد تخصصی در این راستا را می‌تواند، دیوان محاسبات کشور به موجب اصول ۵۴ و ۵۵ قانون اساسی و قانون دیوان محاسبات کشور مصوب ۱۳۶۱ و اصلاحات بعدی تشکیل گردید. از آن جایی که در سال‌های اخیر به دلیل برنامه خصوصی‌سازی و واگذاری برخی شرکت‌های دولتی به اشخاص حقیقی و حقوقی خصوصی، ابهاماتی در صلاحیت این دیوان مطرح گردیده است و این امر به نظر می‌رسد از حدود صلاحیت این مرجع به عنوان این که این اموال از ماهیت دولتی‌شان خارج شده و به اشخاص خصوصی واگذار گردیده و رسیدگی به آن‌ها خارج از صلاحیت دیوان می‌باشد، را کاسته است. لذا در مواجهه با موارد سوءجریان در نحوه واگذاری و تشریفات قانونی آن، نهادهای نظارتی و سازمان‌های دولتی واگذارکننده، به جای مراجعه به دیوان محاسبات کشور (تحت عنوان عدم صلاحیت این دیوان) به مراجع قضایی مراجعه می‌نمایند و افراد متهم و متخلف را از طریق این مراجع تحت تعقیب قرار می‌دهند. این اقدام موجب افزایش هزینه‌های دستگاه عدالت کیفری در رسیدگی به این گونه جرایم حائز اهمیت شده است.

اکنون پرسش این است که اگر این گونه پرونده‌ها در دیوان محاسبات کشور رسیدگی شوند، هزینه کمتری برای بودجه عمومی دولت و بیت‌المال به دنبال خواهند داشت یا این که در مراجع قضایی کیفری تحت پیگیری واقع شوند؟

### پیشینه تحقیق

- در رابطه با عملکرد دیوان محاسبات کشور و جایگاه آن در ساختار حاکمیتی ایران چند مقاله پژوهشی تدوین گردیده است که چند مقاله مرتبط با موضوع این نوشتار به قرار زیر می‌باشند:
۱. نقش و کارکرد دیوان محاسبات در تحقق نظارت مالی محمد هدایتی زفرقندی ماهنامه پژوهش ملل دوره دوم شماره ۱۸، خرداد ۱۳۹۶.
  ۲. تاثیر اقدامات پیشگیرانه دیوان محاسبات کشور بر کاهش تخلفات دستگاههای اجرایی کشور، عباسی، ابراهیم و غیره مجله دانش حسابرسی سال شانزدهم شماره ۶۲ بهار ۹۵.
  ۳. صلاحیت دیوان محاسبات کشور در پاسداری از بیت المال، مرادخانی فرشید بنده‌علی، فردین، فصلنامه علمی پژوهشی حقوق اداری سال ششم شماره ۱۶ پاییز ۱۳۹۷.
  ۴. تحلیل ماده ۲۵ قانون دیوان محاسبات کشور، نوری، پیمان، دانش حسابرسی، ۱۳۸۳، شماره ۱۴، (پیاپی ۲۳).
  ۵. رسیدگی شبه قضایی در دیوان محاسبات کشور، عربیان، اصغر، چالش‌ها و فرصت‌ها، دانش حسابرسی، سال یازدهم، بهار ۱۳۹۰، شماره ۴.

۶. جایگاه دیوان محاسبات در نظام حقوقی ایران و فرانسه، ناصر، منصوریان و محمدعلی آگاه، پژوهش حقوق و سیاست، سال ۱۲، ۱۳۸۹، شماره ۳.
۷. بررسی جایگاه و ارتباط آرای صادره از هیات‌های مستشاری دیوان محاسبات کشور با آرای صادره از سوی مراجع قضایی، محمدرضا حدادزاده، نجمه شریفی، دانش حقوق و مالیه، سال دوم، بهار ۱۳۹۸، شماره ۷.
۸. مقایسه تطبیقی آیین تجدیدنظرخواهی از آرای صادره دیوان محاسبات کشور و محاکم عمومی دادگستری، خیرالله پروین و فتح‌الله رحیمی، مهری حقیقی، دانش حقوق و مالیه، سال دوم، بهار ۱۳۹۸، شماره ۷.
۹. صلاحیت دیوان محاسبات کشور در پرتو قانون و نظریه تفسیری مورخ ۱۳۷۵/۹/۱۴ شورای نگهبان، فتح‌الله رحیمی، دانش حقوق و مالیه، سال دوم، پاییز ۱۳۹۷، شماره ۵.

مقالات اشاره شده بالا به موضوعات مهم و قابل تاملی در باب نقش دیوان محاسبات در رکن مهم و اساسی نظارت مالی حاکمیت بر رفتار مدیران دولتی و نیز انعکاس جنبه کیفری تخلفات ناقضان قانون از سوی دیوان محاسبات کشور به دادسرای عمومی و انقلاب در قوه قضاییه می‌باشد. از دیگر ویژگی‌های این مقالات ارتباط احکام هیات‌های مستشاری دیوان با احکام دادگاه‌های کیفری و نقش احکام هیات‌های مستشاری در تصمیم‌گیری‌های مراجع قضایی و مقایسه تطبیقی این احکام بایکدیگر پرداخته است.

مقاله حاضر به تحلیل اقتصادی نقش دیوان محاسبات کشور در کاهش هزینه‌های رسیدگی دستگاه قضایی دادگستری نسبت به رفتارهای متخلفانه و مجرمانه کارکنان نهادهای دولتی و عمومی غیردولتی پرداخته و به این موضوع مهم توجه دارد که آیا اصولاً رسیدگی به تخلفات ناقضان قانون در دیوان محاسبات کشور از بعد اقتصادی مقرون به صرفه تر برای بودجه عمومی کشور است یا رسیدگی به این موارد در دادسراهای عمومی و انقلاب و دادگاه‌های کیفری در دادگستری و قوه قضاییه؟

## ۱- مطالعه تطبیقی وظایف دیوان محاسبات کشور با مراجع قضایی دادگستری

### الف) مبانی نظری:

افزایش روزافزون میزان تخلفات به ویژه جرایم اقتصادی و محدودیت‌های نظام عدالت کیفری رسمی برای کنترل جرم و اصلاح بزه کاران و هزینه‌های سرسام آور پیگیری آن‌ها از این طریق<sup>۱</sup>، سیاست گزاران و مدیران عدالت کیفری را در معرض انتخاب‌های اساسی قرار داده است. برخی مدیران بر سیاست توسل به ابزارهای سرکوبگر و قدرت مطلقه دولت برای تامین نظم و

۱. برای تعقیب یک مظنون و یا متهم و نهایتاً محاکمه و مجازات وی ما نیازمند کلاتری و به تعداد مورد نیاز پرسنل آموزش دیده برای کلاتری هاو سپس به تعداد مورد نیاز دادسراو بالتبع دادستان، معاون دادستان، بازپرس و دادیار و کارکنان اداری و دادگاه بدوی و تجدیدنظر و دیوان عالی کشور و ساختمان و در نهایت زندان و... به حد تکافو می‌باشیم

امنیت و تحقق عدالت کیفری تاکید می‌ورزند. گروهی دیگر به بهره‌گیری از اقدامات نمایشی باهدف پاسخ‌گویی مقطعی نسبت به انتظارات عمومی گرایش دارند و برنامه‌ها و مداخله‌های مبتنی بر یافتنی‌های علمی را کمتر مورد توجه قرار می‌دهند. در نهایت بعضی مدیران با پذیرش محدودیت‌های نظام عدالت کیفری رسمی، بر توسعه راهبردهای علمی جدید از طریق اصلاح نظام عدالت کیفری و رفع محدودیت‌های موجود تاکید می‌ورزند.

رویکرد عقلانی به عدالت کیفری به عنوان کاربرد تجزیه و تحلیل‌های علمی برای شناخت نهادهای کیفری، فرآیندهای کیفری و افزایش میزان اثربخشی سیاست‌ها و برنامه‌های عدالت کیفری را باید در چهارچوب انتخاب اخیر مورد بررسی قرار داد.

از سوی دیگر باید توجه داشت که نقض قانون در چهره‌های متفاوت و متعددی ظهور می‌یابد، گاهی در معنای عام تخلف و جرم و گاهی در مفهوم خاص جرم کیفری. آن چه که مسلم است در لسان حقوق، جرم اعم است از جرایم خاص کیفری که رسیدگی به آن در صلاحیت محاکم کیفری دادگستری است و جرایم انضباطی که اعم از تخلفات اداری، مالی، انضباطی، انتظامی و... می‌باشد و به فراخور، مرجع اختصاصی و یا تخصصی متناسب برای رسیدگی دارد و با توجه به وضع قوانین و مقررات خاص برای رسیدگی به آن‌ها، مرجع تخصصی یا اختصاصی، در محدوده صلاحیت‌های قانونی اقدام به رسیدگی می‌نماید.

حوزه عدالت کیفری، سیاست‌ها، برنامه‌ها و پروژه‌های بسیاری را در قلمرو اقدامات دولتی و نهادهای مدنی و شبه قضایی شامل می‌شود. تمرکز این مداخله‌ها بر طیف وسیعی از نوآوری‌ها و تجربه‌هایی است که در پی کشف موثرترین روش‌ها برای دست‌یابی به کاهش رفتارهای مجرمانه، تامین امنیت عمومی و دسترسی به عدالت است. (فرحیها، محمد، ۱۳۸۷، ۳۲)

ارزیابی هزینه‌های نظام عدالت کیفری، منابع و تخصیص بهینه آن، از جمله تحلیل‌های اقتصادی کارآمدی برنامه‌های نظام عدالت کیفری است. پیشگیری از جرم، یکی از برنامه‌های نظام عدالت کیفری در واکنش به پدیده بزه کاری است. جرم‌شناسان با توجه به جرایم مختلف، برنامه‌های متعدد پیشگیری راطراحی و برای اجرا پیشنهاد می‌دهند. با این وجود، سیاست‌گذاران به دلیل کمبود منابع، ناگزیر از انتخاب اقتصادی‌ترین آن‌ها هستند. در این وضعیت، تحلیل اقتصادی از یک سو با ارزیابی هر یک از جرایم، هزینه‌های آن‌ها را مشخص می‌کند، تا جرایمی که هزینه‌های آن‌ها برای جامعه سنگین است، در اولویت برنامه‌های پیشگیری قرار گیرند و از سوی دیگر، برنامه‌های مختلف پیشگیری را که قابلیت اجرایی دارند ارزیابی هزینه - فایده‌ای می‌کنند تا برنامه‌ای انتخاب شود که در مقایسه با سایر برنامه‌ها کارایی اقتصادی بیشتری دارد. (میرزاجانی، حمید، ۳۱۰)

### ب) توجیه مجازات از منظر مکتب سودگرایی کیفری:

کدام شق از فلسفه می‌تواند در توجیه مجازات مورد استفاده قرار گیرد؟ در پاسخ شاید بتوان از عبارت جفری مرفی بهره برد. وی معتقد است یک نظریه کیفری مناسب باید پنج شرط ضروری

را با هم بیان کند: نخست ماهیت جرم و مجازات چیست؟ دوم توجیه اخلاقی کیفر چیست؟ سوم توجیه سیاسی مجازات چیست؟ چهارم نظریه کیفر باید اصول مناسبی را برای مسوولیت کیفری پیش‌بینی نماید. پنجم نظریه مناسب باید پاسخی برای این پرسش که مجازات مناسب چیست داشته باشد. بنابراین در صورتی که درصدد توجیه مناسبی برای مجازات در حوزه فلسفه باشیم، باید فلسفه اخلاق و فلسفه سیاسی را مورد قرار مطالعه دهیم. (یکرنگی، محمد، ۱۳۹۶، ۱۹)

فایده‌گران بر این نظر اتفاق دارند که عمل اخلاقی بیان می‌دارد که عمل شخص - اعم از دولت یا اشخاص غیر از دولت - زمانی درست است که اخلاقی باشد و عملی اخلاقی است که بیشترین فایده را برای بیشترین افراد درگیر داشته باشد. به عبارت دیگر، هرگاه فردی درصدد انجام عملی است، باید منافع و مضار آن عمل را بسنجد، آن‌گاه جایگزین‌های آن عمل را دریابد و منافع و مضار هر یک را تشخیص دهد و سپس به کسر منافع از مضار پردازد و در نهایت نتیجه این ارزیابی‌ها را در کنار یکدیگر قرار داده و عملی که پس از کسر منافع از مضار، بالاترین منفعت را دربرداشته باشد، به عنوان عمل اخلاقی برگزیند. این نظریه درباره کیفر نیز بیان می‌دارد: کیفر زمانی توجیه پذیر است که نتایج سودمندی به بار آورد. (یکرنگی، همان، ۲۱)

### ج) بازدارندگی فردی :

مطالعات جرم‌شناسی نشان داده که تهدید به اعمال مجازات سخت، در اکثر متکبین جرایم و تخلفات موثر نبوده است. این امر مبین آن است که مجازات در پیشگیری فردی به مانند پیشگیری عمومی تاثیری ندارد، بلکه باید عوامل و انگیزه‌هایی که موجب تکرار جرم می‌شوند را شناسایی کرد. به عنوان مثال در حوزه کیفری، تماس مجرم در زندان با مجرمین به عادت و حرفه‌ای، داشتن سوء پیشینه و نیافتن شغل و مسکن پس از آزادی از زندان، از علل مهم تکرار جرم کیفری به شمار می‌رود. لیکن در تخلفات مالی، اداری و انضباطی، عوامل دیگری نظیر شرایط محیط کار، عدم نظارت بر رفتار مالی کارکنان دولت، عدم کفایت کنترل‌های داخلی و اعمال فراقانونی، سبب وقوع و تکرار تخلفات می‌شود.

هدف از مجازات مرتکب جرم، باید پیشگیری از تکرار جرم باشد نه انتقام جویی. بنتام معتقد است که کیفرهنگامی باید اجرا شود که مجرم را از منافع حاصله از ارتکاب جرم منصرف کرده و موجب پیشگیری از وقوع جرایم و تکرار بزه گردد. بنابراین یکی از مهم‌ترین اهداف مجازات، بازدارندگی فردی است. (زینالی، امیر حمزه، ۱۳۹۶، ۴۰)

### د) محاسن و معایت زندان :

اکثریت جرم‌شناسان با بررسی و مقایسه محاسن و معایب زندان به این نتیجه رسیده‌اند که بدون افراط و تفریط، نه می‌توان کیفر حبس را به طور کلی نفی کرد و نه به طور کامل مورد تایید قرار داد. منافع این مجازات با سایر کیفرها قابل تحسین است. در عین حال معایب آن به آن اندازه مهم است که از کنارشان نمی‌توان به آسانی گذشت. فایده اجتماعی زندان برای مجرمین

خطرناک بسیار زیاد است و مصلحت جامعه ایجاب می‌کند که این قبیل بزه‌کاران در میان اجتماع، آزاد نباشند. در مقابل، مضرات زندان در برابر خطر آزادی آن‌ها اندک و قابل قبول است. این ارتباط در خصوص بزه‌کاران عادی و فاقد سابقه، معکوس خواهد بود، چرا که تاثیر منفی زندان بر این قبیل از مجرمین، بسیار عمیق و غیرقابل جبران است و محاسن مجازات زندان در برابر معایب آن، اندک و غیرقابل توجه می‌نماید. زندان برای بزه‌کاران اتفاقی و فاقد سابقه که مرتکب جرایم کم‌اهمیت شده‌اند توجیه علمی ندارد. در عوض آزادی مجرمین خطرناک که هر لحظه ممکن است مرتکب جرم و جنایت نوینی بشوند و احتمال اجتماعی شدن‌شان اندک است نمی‌تواند قابل قبول باشد. (زینالی، همان، ۱۰۷)

افزایش جمعیت کیفری زندان هم برای دولت و هم برای خانواده فرد زندانی هزینه بردار است. بنابراین اجتناب از هزینه‌های ناشی از اعمال مجازات سالب آزادی، حتی استفاده اقتصادی از محکومان، پرهیز از کیفر زندان را توجیه می‌نماید. عموماً گفته می‌شود که ضمانت اجراهای غیر سالب آزادی، ارزان‌تر هستند. از سوی دیگر مالیات دهندگان هم چندان مایل به پرداخت هزینه هنگفت برای بزه‌کاران نیستند. مجازات‌های جامعه مدار در برخی موارد مانند خدمات عام‌المنفعه و جزای نقدی، بار مثبت مالی برای جامعه و دولت دارد. بنابراین، این گونه مجازات‌ها بسیار ارزان‌تر می‌باشند و می‌توانند همان نتایج زندان یا حتی نتایج بهتری را به بار آورند. که این تفاوت هزینه‌ها بالاخص در کشورهای توسعه نیافته که دارای مشکلات اقتصادی می‌باشند، اهمیت دارد.

در مقابل معایب بی‌شمار زندان، مجازات‌های جامعه مدار، مسوولان را قادر می‌سازد تا به جامعه اطمینان دهند که ضمن صرفه جویی مالی و مدنظر قراردادن اقدام‌های پیشگیرانه ناظر به وقوع جرم، با جرم ارتكابی نیز به شدت برخورد می‌شود.

## ۲) جایگاه دیوان محاسبات کشور در نظام عدالت کیفری ایران

یکی از نهادهایی که در پیگرد مجرمان مالی و متخلفان به ویژه در رابطه با جرایم اقتصادی، سیاست‌های غیر کیفری را برگزیده است، دیوان محاسبات کشور می‌باشد. این دیوان با نظارت بر رفتار مدیران دولتی و نهادهای زیرمجموعه آن‌ها موارد سوء جریان و جرایم احتمالی ارتكابی آن‌ها را شناسایی می‌نماید و برابر مقررات و آیین دادرسی خود با آن‌ها برخورد قانونی به عمل می‌آورد. بررسی وضعیت نظارت مالی در نظام حقوقی ایران نشان می‌دهد از حیث دستگاه ناظر بر عملکرد مالی سازمان‌ها و نهادها، با دوتنوع نظارت مواجه هستیم، یکی نظارت درونی و دیگری نظارت بیرونی.

با توجه به ابعاد مختلف موضوع نظارت مالی، دسته دیگری از نظارت‌های مالی نیز وجود دارد. با این حال، در قوانین مالی و محاسباتی ایران سه نوع نظارت پیش‌بینی شده که این نظارت‌ها چهارچوب نظارت مالی را تشکیل می‌دهند. بر این اساس برای کشف مسائل و نارسایی‌های مربوط به نظارت مالی، باید ابعاد نظارت‌های اداری، قضایی و پارلمانی به طور مجزا مشخص



شود. نظارت اداری، نظارتی است که توسط قوه مجریه در داخل خودش به وسیله خودش انجام می‌شود تا در صحت عملیات خود یقین و برابرمجوزی که از قوه مقننه دریافت کرده، عمل کند. این نظارت می‌تواند پیش از مصرف وجوه یا حین مصرف وجوه به عمل بیاید. براساس دیدگاه یادشده در ابعاد نظارت مالی با نوعی نظارت قضایی هم روبرو هستیم. بر اساس رویکرد محتواگرا و فارغ از جایگاه دیوان محاسبات کشور به عنوان نهادی خارج از قوه قضاییه، این نهاد رسیدگی به تخلفات مالی را برعهده دارد. بر مبنای این رویکرد، رسیدگی و ضمانت اجراهای به کارگرفته از سوی یک نهاد را باید براساس ماهیت رسیدگی مربوطه بررسی نمود. بنابراین، اگرچه دیوان محاسبات کشور از حیث ساختاری وابسته به قوه قضاییه نیست، اما این که نهاد مذکور خود اسناد و مدارک مالی را رسیدگی می‌کند و عملیات مالی را کشف می‌کند و ضمن تعیین میزان ضرر و زیان وارده به بیت‌المال، حکم به جبران زیان وارده صادر می‌کند و مقامات و ماموران خاطی را به مجازات‌های مقرر در قانون دیوان محاسبات محکوم می‌کند، نباید تردیدی در ماهیت قضایی این رسیدگی وجود داشته باشد. بر اساس این دیدگاه، بعد سوم نظارت مالی، نوعی نظارت پارلمانی است که از حیث زمان در دو مرحله انجام می‌شود. یکی نظارت در طی سال مالی و دیگری پس از پایان سال مالی.

کارآمدی و پویایی نظام‌های سیاسی و اجتماعی رابطه مستقیمی با نحوه نظارت دارد. بخش دولتی به خصوص در ایران با توجه به گستردگی و تاثیرگذاری که دارد یکی از بخش‌های مهم در نظام مالی هر کشور محسوب می‌شود که ضرورت نظارت مالی بر عملکرد آن از اهمیت فراوان برخوردار است. یکی از انواع این نظارت‌های مالی، نظارت دیوان محاسبات کشور به عنوان یکی از جلوه‌های نظارت مالی پارلمانی می‌باشد. نظارتی که براساس قانون اساسی، قانون دیوان محاسبات کشور و قانون محاسبات عمومی کشور به منظور نحوه عمل در خصوص بودجه سنواتی انجام می‌پذیرد. لذا به دلیل اهمیت بودجه سنواتی، این نظارت هم با توجه به جایگاه مجلس شورای اسلامی در ساختار قدرت در ایران و نوع عمل در این خصوص، دارای ویژگی‌ها و ترتیبات خاصی است و بررسی آن ضروری می‌باشد. (هدایتی زفرقندی، ۱۳۹۶، ۵۲)

به هرصورت دیوان محاسبات کشور، دادگاهی است مالی که مأمور معاینه و تفکیک محاسبات اداره مالی و تفریغ کلیه حسابداران خرانه بوده و نیز نظارت می‌کند که هزینه‌های معینه در بودجه از میزان تعیین شده تجاوز نکند و تغییری تبدیل نیابد و هروجهی در محل خود صرف شود و نیز مکلف است در امر معاینه و تفکیک محاسبات ادارات دولتی و جمع‌آوری سندخرج محاسبات و صورت کلیه محاسبات مملکتی اقدام نماید.

باتوجه به صراحت قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، چگونگی ساختاری و مفهوم چنین تعریفی به طور صریح در اصول ۵۴ و ۵۵ قانون اساسی آمده است.<sup>۱</sup> مستفاد از این اصول و قانون

۱. اصل ۵۴ قانون اساسی: دیوان محاسبات کشور مستقیماً زیر نظر مجلس شورای اسلامی می‌باشد. سازمان و اداره امور آن در تهران و مراکز استان‌ها به موجب قانون تعیین خواهد شد.

اصل ۵۵ قانون اساسی: دیوان محاسبات به کلیه حساب‌های وزارتخانه‌ها، موسسات، شرکت‌های دولتی و سایر دستگاه‌هایی که به نحوی از انحاء از بودجه کل کشور استفاده می‌کنند به ترتیبی که قانون مقرر می‌دارد رسیدگی

دیوان محاسبات کشور، این دیوان زیرنظر قوه مقننه و به منظور اعمال کنترل بر صرف بودجه در وزارتخانه‌ها، موسسات، شرکت‌های دولتی و سایر دستگاه‌هایی که به نحوی از انحاء از بودجه کل کشور استفاده می‌کنند، تشکیل شده است تا از این طریق، هزینه‌ای از اعتبارات مصوب تجاوز نکرده و هروجehی در محل خود به مصرف برسد. هم‌چنین دیوان محاسبات موظف به تهیه گزارش تفریغ بودجه سالانه کشور می‌باشد، لذا کلیه اعتبارات و نحوه مصرف آن‌ها توسط دستگاه‌های اجرایی دولتی، مورد بازرسی کارشناسان (حسابرسان) دیوان قرار گرفته و در صورت صحت، عملکرد آن‌ها مورد تایید واقع و در غیر این صورت به واسطه مشاهده تخطی از قوانین مربوطه، مراتب در قالب گزارش تخلف به دادسرای دیوان محاسبات کشور اعلام و چنان‌چه پس از بررسی، موضوع به عنوان تخلف شناخته شود، موضوع جهت بررسی و اصدار رای به هیات‌های مستشاری دیوان محاسبات ارجاع و در این مرحله از منظر ماده ۲۳ قانون دیوان محاسبات کشور موضوع بررسی و اتخاذ تصمیم خواهد شد. (قنبری، مجید، ۱۳۸۸، ۱۶۰)

### ۳- ساختار و نحوه رسیدگی دیوان محاسبات کشور

عملیات و فعالیت‌های مالی کلیه وزارتخانه‌ها، موسسات، شرکت‌های دولتی و سایر دستگاه‌هایی که به نحوی از انحاء از بودجه کل کشور استفاده می‌کنند، بررسی و حسابرسی وجوه مصرف شده و درآمدها و سایر منابع تامین اعتبار در ارتباط با سیاست‌های مالی تعیین شده در بودجه مصوب، با توجه به گزارش عملیاتی و محاسباتی مأخوذه از دستگاه‌های مربوطه و تهیه و تدوین گزارش تفریغ بودجه به انضمام نظرات خود و ارائه آن به مجلس شورای اسلامی، از اهداف دیوان محاسبات کشور می‌باشد. هم‌چنین حسابرسی با رسیدگی کلیه حساب‌های درآمد و هزینه و سایر دریافت‌ها و پرداخت‌ها و نیز صورت‌های مالی دستگاه‌ها از نظر مطابقت با قوانین و مقررات مالی و سایر قوانین مربوط و ضوابط لازم الاجراء، بررسی وقوع عملیات مالی در دستگاه‌ها به منظور اطمینان از حصول و ارسال صحیح و به موقع درآمد و یا انجام هزینه و سایر دریافت‌ها و پرداخت‌ها، رسیدگی به موجودی حساب اموال و دارایی‌های دستگاه‌ها، بررسی جهت اطمینان از برقراری روش‌ها و دستورالعمل‌های مناسب مالی و کاربرد موثر آن‌ها در جهت نیل به اهداف دستگاه‌های مورد رسیدگی از وظایف و اختیارات دیوان محاسبات کشور است.

اعلام نظر در خصوص لزوم وجود مرجع کنترل کننده داخلی و یا عدم کفایت مرجع کنترل کننده موجود در دستگاه‌های مورد رسیدگی با توجه به گزارش‌های حسابرسی‌ها و رسیدگی‌های انجام شده جهت حفظ حقوق بیت‌المال و رسیدگی به حساب کسری ابواب جمعی و تخلفات مالی و هرگونه اختلاف حساب مامورین ذیربط دولتی در اجرای قوانین و مقررات به ترتیب مقرر در این قانون از دیگر وظایف و اختیارات این دیوان است. منظور از دستگاه‌ها در این قانون کلیه

یا حسابرسی نماید که هیچ هزینه‌ای از اعتبارات مصوب تجاوز نکرده و هر وجهی در محل خود به مصرف رسیده باشد. دیوان محاسبات، حساب‌ها و اسناد و مدارک مربوطه را برابر قانون جمع‌آوری و گزارش تفریغ بودجه هر سال را به انضمام نظرات خود به مجلس شورای اسلامی تسلیم می‌نماید. این گزارش باید در دسترس عموم گذاشته شود.

وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها موسسات و شرکتهای دولتی و سایر واحدها که به نحوی از انحاء از بودجه کل کشور استفاده می‌نمایند و به طور کلی هرواحد اجرایی که بر طبق اصول ۴۴ و ۴۵ قانون اساسی، مالکیت عمومی بر آن‌ها مترتب می‌شود، می‌باشد. واحدهایی که شمول مقررات عمومی در مورد آن‌ها مستلزم ذکر نام است، نیز مشمول این تعریف می‌باشد. دیوان محاسبات کشور مستقیماً زیر نظر مجلس شورای اسلامی می‌باشد و در امور مالی و اداری استقلال داشته و اعتبار مورد نیاز آن با پیشنهاد دیوان مذکور پس از تایید کمیسیون دیوان محاسبات و بودجه مجلس شورای اسلامی، جداگانه در لایحه بودجه کل کشور منظور می‌شود. تشخیص انجام تعهد و تسجیل هزینه‌های آن با رعایت قوانین و مقررات از وظایف رئیس دیوان محاسبات و یا کسانی است که از طرف وی مجاز به این امور بشوند. مقر دیوان محاسبات کشور در تهران است و در مراکز استانها نیز دارای تشکیلات استانی خواهد بود و رئیس دیوان محاسبات کشور پس از افتتاح هر دوره قانون گذاری به پیشنهاد کمیسیون دیوان محاسبات و بودجه مجلس شورای اسلامی و تصویب نمایندگان ملت انتخاب می‌شود. هم چنین برکناری رئیس دیوان محاسبات با پیشنهاد کمیسیون دیوان محاسبات و تصویب اکثریت نمایندگان انجام می‌گیرد. دیوان محاسبات کشور دارای یک دادسرا و حداقل سه و حداکثر هفت هیات مستشاری می‌باشد. هر هیات، مرکب از سه مستشار است که یکی از آن‌ها رئیس هیات خواهد بود.

دادسرای دیوان محاسبات نیز از یک دادستان و تعداد کافی دادیار و یک دفتر تشکیل می‌شود. براساس قانون دیوان محاسبات کشور، دستگاه‌ها مکلفند حساب‌های درآمد و هزینه صورت‌های مالی اسناد و مدارک را به نحوی که دیوان تعیین می‌کند به دیوان مزبور تحویل نمایند. حسابرسی و رسیدگی آن‌ها به تشخیص دیوان محاسبات کشور در ادارات دیوان یا محل خود آن دستگاه‌ها انجام می‌گیرد و دیوان علاوه بر موارد پیش‌بینی شده در این قانون موضوعات مرتبط با وظایف دیوان را که از سوی مجلس شورای اسلامی حسب مورد به آن ارجاع می‌شود، رسیدگی و اظهار نظر می‌نماید. هم چنین دیوان محاسبات کشور برای انجام وظایف خود می‌تواند در تمامی امور کشور تحقیق و تفحص نماید و در تمامی موارد، مستقیماً مکاتبه برقرار نماید و تمام مقامات جمهوری اسلامی ایران و قوای سه گانه و سازمانها و ادارات تابعه و کلیه اشخاص و سازمان‌هایی که به نحوی از انحاء از بودجه کل کشور استفاده می‌کنند، مکلف به پاسخگویی مستقیم می‌باشند. حتی در مواردی که از قانون محاسبات عمومی مستثنی شده باشند. (ایرنا، ۱۳۹۱)

گستره اختیارات و صلاحیت ذاتی دیوان محاسبات کشور، بدان حد است که نه تنها مواردی هم چون سوء استفاده، غفلت و تسامح در حفظ اموال اسناد و جوه دولتی و نیز دریافت و پرداخت‌های انجام شده مغایر قوانین توسط اشخاص یاد شده را شامل می‌شود، بلکه مطابق بند «ه» ماده ۲۳ قانون دیوان محاسبات کشور، هر نوع خرج یا تصمیم نادرستی که باعث اتلاف یا تضییع بیت‌المال شود، نیز مشمول این رسیدگی و دارای ضمانت اجرایی می‌باشد. قید عبارت تصمیم نادرست در کنار سایر تخلفات مالی احصاء شده در قانون دیوان، حاکی از آن است که تصمیم نادرست مقوله‌ای متفاوت از تصمیم غیرقانونی است. این قبیل تصمیمات به حوزه

اختیارات یا به تعبیر دیگر صلاحیت‌گزینشی کارگزاران دولتی باز می‌گردد. این نوع صلاحیت به مقام اداری درجه‌ای از آزادی عمل برای تصمیم‌گیری واگذار می‌کند و او را مجاز می‌سازد میان تصمیمات متعدد و قانونی، تصمیمی را که از نظر او مناسب‌تر است، اتخاذ نماید. در اعمال این صلاحیت، اصل بر این است که مقام اعمال‌کننده، فارغ از کنترل قضایی است، مگر آن که این صلاحیت‌ها را به منظور یک هدف غیرقانونی به خدمت گرفته یا آن که اقدام وی خارج از حدود اختیارات اعطا شده باشد. با این وصف، چنان چه دامنه تصمیمات تخییری اتخاذ شده مقامات از قیود و حدود اختیارات قانونی فراتر رود و از این رهگذر، ضرری به بیت‌المال وارد آید، موضوع از مصادیق تصمیم نادرست و مشمول رسیدگی دیوان محاسبات کشور می‌باشد و این که این تصمیم بدون سوء نیت اتخاذ شده باشد، ضمانت اجرای رسیدگی به ضرر و زیان‌های وارده به بیت‌المال، جبران زیان و وجود مجازات‌های اداری است که برای اعمال آن، تشکیلات ویژه‌ای در درون ساختار سازمانی دیوان محاسبات کشور در نظر گرفته شده که عبارتند از وجود دادسرای دیوان متشکل از یک دادستان و تعداد کافی دادیار هیئت‌های ۳ الی ۷ نفره مستشاری و هم‌چنین یک محکمه تجدیدنظر مرکب از یک نفر حاکم شرع به انتخاب رئیس قوه قضاییه و دو مستشار به عنوان کارشناس به انتخاب رئیس دیوان است که منحصرأ به موارد اعتراض رسیدگی و مبادرت به صدور حکم قطعی می‌نمایند. وجود چنین تشکیلاتی باعث گردیده برخی علاوه بر این که دیوان رایک مرجع اختصاصی مالی بدانند، ماهیت رسیدگی به تخلفات مالی را قضایی محسوب نمایند. به هر جهت با توجه به آن چه که از تعیین صلاحیت نظارتی دیوان محاسبات بیان گردید، دامنه این صلاحیت از رسیدگی به حسابها و عملکرد مالی بخش عمومی جامعه تا آثار مالی تصمیمات مسوولین مملکتی حتا در حوزه اختیارات قانونی اعطا شده به آنان را نیز شامل شده است. (مرادخانی، فردین، ۱۳۹۷)

ماده ۲ قانون دیوان محاسبات کشور گسترده و حیطة صلاحیت و اختیارات این دیوان نسبت به وزارت خانه و نهادها را بسیار موسع تعریف کرده است.<sup>۱</sup> ملاحظه می‌شود که دیوان مجاز است به کلیه نهادها و واحدهای اجرایی که به گونه‌ای از بودجه عمومی کشور بهره‌مند می‌شوند ورود نموده و در خصوص انطباق رفتار این واحدها با مقررات، اظهار نظر کند و با موارد سوء نیز برابرقانون برخورد نماید.

#### ۴- تحلیل اقتصادی رسیدگی دیوان محاسبات کشور

دیوان محاسبات کشور یکی از نهادهای قانونی می‌باشد که در عین رعایت سیاست‌های

۱. ماده ۲- حسابرسی یا رسیدگی کلیه حساب‌های درآمد و هزینه و سایر دریافت‌ها و پرداخت‌ها و نیز صورت‌های مالی دستگاه‌ها از نظر مطابقت با قوانین و مقررات مالی و سایر قوانین مربوطه و ضوابط لازم‌الاجرا. تبصره- منظور از دستگاه‌ها در این قانون، کلیه وزارت‌خانه‌ها، سازمان‌ها، موسسات، شرکت‌های دولتی و سایر واحدها که به نحوی از انحاء از بودجه کل کشور استفاده می‌نمایند و به طور کلی هر واحد اجرایی که برطبق اصول ۴۴ و ۴۵ قانون اساسی، مالکیت عمومی بر آن‌ها مترتب بشود، می‌باشد. واحدهایی که مشمول مقررات عمومی در مورد آن‌ها مستلزم ذکر نام است نیز مشمول این تعریف می‌باشند.

بازدارنده، سزادهنده و جبران کننده خسارات ناشی از نقض قانون و ارتکاب جرم (سودآوری)، فاقد سیاست‌گذاری‌های خشن ناشی از حبس مجرمان و سایر کیفرهای خشن می‌باشد. هم‌چنین نحوه رسیدگی دیوان محاسبات کشور به اتهامات متهمان به ارتکاب تخلفات مالی و جرایم اقتصادی، به گونه‌ای است که هزینه‌های هنگفت رسیدگی‌های دستگاه عدالت قضایی را ندارد.

اولویت این سازمان شبه قضایی، نظارت بر حسن اجرای قوانین در بخش هزینه کرد بودجه توسط نهادهای دولتی و کشف و شناسایی موارد سوء جریان و تخلف از موارد پیش‌بینی شده قانونی و رسیدگی به موارد تخلف و برخورد با متخلفان و استرداد وجوه حیف و میل شده به بیت‌المال و اعمال مجازات قانونی برای متخلف از طریق اخراج، انفصال موقت یا دایم از خدمات دولتی می‌باشد.

بسیاری از موارد تخلف از اجرای قانون در هزینه کرد وجوه دولتی و بودجه در نهادهای دولتی، از طریق حسابرسان دیوان محاسبات کشور با کنترل‌های سالانه و یا نوبتی، کشف و شناسایی می‌شود و با مکاتبه و تذکر حسابرسان و پیش از تشکیل پرونده در دادسرای دیوان محاسبات، نهاد متخلف اقدام به اصلاح روند ناصواب و غیرقانونی و هم‌چنین استرداد وجوه هزینه شده غیرقانونی به حساب دولت می‌نماید و از این طریق صرفه جویی قابل توجهی در هزینه استرداد اموال دولتی انجام می‌پذیرد.

در مرحله دوم با گزارش موارد سوء جریان توسط حسابرسان به دادسرای دیوان و تشکیل پرونده در دادسرای دیوان و دعوت از متهم یا متهمین و تطبیق مدارک و اسناد تهیه شده توسط حسابرسان با اسناد ارائه شده توسط متهم و انجام سایر تحقیقات لازم، تصمیم مقتضی اتخاذ می‌شود.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که بین برنامه اقدامات پیشگیرانه دیوان محاسبات کشور و کاهش میزان تخلفات دستگاه‌های اجرایی، رابطه معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر اقدامات پیشگیرانه دیوان محاسبات کشور بر کاهش تخلفات دستگاه‌های اجرایی تأثیری گذارد. این بدان معناست که مدیران دیوان با تقویت و اهمیت دادن به اقدامات پیشگیرانه، هم چون ارزیابی سیستم کنترل داخلی، نظارت هم زمان در حین اجرای بودجه و آموزش مدیران دستگاه‌های اجرایی بر کاهش تخلفات در دستگاه‌های اجرایی موثرتر می‌باشند. هم چنین با ارائه نظرات مشورتی به دستگاه‌های اجرایی پیرامون ارائه طرق قانونی جهت رفع تنگناهای قانونی و میزان تخلفات دستگاه‌های اجرایی، اقدام موثری در پیشگیری از وقوع تخلفات مالی به عمل آورد. بنابراین دیوان محاسبات کشور می‌تواند با ادامه این برنامه و ارزیابی بازخوردهای این کمیته‌ها در مقاطع مختلف نقش عمده‌ای در تحقق اهداف بودجه کشور ایفا نماید. (عباسی، ابراهیم، ۱۳۹۲،

## ۵- وظایف و اختیارات شبه قضایی دیوان محاسبات کشور

دیوان محاسبات کشور دارای وظایف و اختیارات گسترده‌ای می‌باشد ولی در این جستار تحلیلی

به برخی از اختیاراتی که در رابطه با مسوولیت قضایی این مرجع در قانون دیوان محاسبات کشور، مصوب ۱۳۶۱ و اصلاحیه ۱۳۷۰ پیش‌بینی شده است، پرداخته می‌شود:

۱. رسیدگی به حساب کسری ابواب جمعی و تخلفات مالی و هرگونه اختلاف حساب مأمورین ذیربط دولتی در اجرای قوانین و مقررات مربوط.
۲. اقدام در حفظ حقوق بیت المال در حدود قوانین و مقررات مالی.
۳. تنظیم دادخواست علیه مسوول یا مسوولین خاطی از مقررات مالی و طرح در هیات‌های مستشاری.
۴. رسیدگی به مورد کسری ابواب جمعی مسوولین و طرح دادخواست علیه آنها و صدور آراء متناسب باموضوع مطروحه.
۵. عدم ارائه صورتهای مالی - حساب درآمد و هزینه- دفاتر قانونی و صورتحساب کسری و یا اسناد و مدارک در موعد مقرر به دیوان محاسبات کشور.
۶. تهیه زائد براعتبار و یا عدم رعایت قوانین و مقررات مالی.
۷. عدم واریز به موقع درآمد و سایر منابع تأمین اعتبار منظوردر بودجه عمومی به حساب مربوط و هم چنین عدم واریز وجوهی که به عنوان سپرده یا وجه الضمان و یا وثیقه و یا نظائر آنها دریافت می‌گردد.
۸. عدم پرداخت به موقع تعهدات دولت که موجب ضرر و زیان به بیت المال می‌گردد.
۹. سوء استفاده و غفلت و تسامح در حفظ اموال و اسناد و وجوه دولتی و یا بیاخرخرج یا تصمیم نادرست که باعث اتلاف یا تضییع بیت المال شود.
۱۰. رسیدگی به گزارش‌های حسابرسی و گواهی حساب‌های صادره توسط دیوان محاسبات کشور.
۱۱. رسیدگی به پرونده‌های کسری ابواب جمعی مسوولین ذی ربط.
۱۲. رسیدگی به موارد ایجاد موانع و محظورات غیرقابل توجیه از ناحیه مسوولین ذی ربط دستگاه‌ها در قبال ممیزین و یا حسابرس‌ها و سایر کارشناسان دیوان محاسبات کشور در جهت انجام وظایف آنان.
۱۳. پرداخت و دریافت‌هایی که خلاف قوانین موجود به دستور کتبی مقامات مسوول صورت گیرد.
۱۴. تأیید و یا صدور رأی نسبت به گزارشات حسابرسان داخلی و خارجی شرکتها و مؤسسات و سازمانهای مربوط.
۱۵. رسیدگی و انشاء رأی در هیات‌های مستشاری به اتهام انجام تخلفات مزبور.

۱. در قانون دیوان محاسبات، تاسیس حقوقی دادخواست، تقریباً همان کیفرخواستی است که در دادسرای عمومی یا انقلاب از سوی دادستان برای متهم صادر می‌شود. در دادسرای دیوان محاسبات همانند دادسرای عمومی و انقلاب، چنانچه دادستان دیوان، تخلف از مقررات توسط یک کارمند یا مدیردولتی را احراز نماید دادخواست (کیفرخواست) تعقیب وی را به هیات مستشاری دیوان ارسال می‌کند تا هیات مستشاری براساس مستندات تحصیل شده توسط دادسرای دیوان، حکم مقتضی به محکومیت متخلف صادر نماید.

۱۶. اعمال مجازات اداری متخلفین علاوه بر صدور رأی نسبت به ضرر و زیان وارده به بیت المال.
۱۷. ارسال پرونده‌های مربوط به وقوع جرم به مراجع قضائی جهت تعقیب متهمین و تعقیب جرائم عمومی از طریق مراجع قضائی.
۱۸. رسیدگی به پرونده های مسوولین امر که بدون سوء نیت ضرری به بیت المال وارد آورده اند.
۱۹. موارد مطروحه در گزارشات حسابرسان داخلی و خارجی شرکتها و مؤسسات و سازمانهای مربوط.
۲۰. مراقبت مستمر در اجرای آراء صادره تا حصول نتیجه و اعلام موارد عدم اجراء آراء از طرف دستگاهها یا اشخاص حقوقی به مجلس شورای اسلامی.
۲۱. ابلاغ و اجراء آراء صادره از سوی هیاتهای مستشاری و محکمه تجدیدنظر به دستگاههای اجرایی.
۲۲. درخواست تجدیدنظر یا اعاده دادرسی نسبت به آراء صادره از هیاتهای مستشاری طبق مقررات مربوط.
۲۳. حضور نماینده دادرسی دیوان در جلسات رسیدگی هیاتهای مستشاری و محکمه تجدیدنظر بعنوان مدعی العموم بیت المال و سایر کمیسیونهای ذیربط حسب مورد.

#### ۶- اقدامات پیشگیرانه حسابرسی در دیوان محاسبات کشور

اقدامات پیشگیرانه حسابرسی به مجموعه پیشنهادهای و ارائه راهکارهای نظارتی و کنترلی مستندی که در راستای وظایف قانونی مندرج در قانون دیوان محاسبات کشور و سایر قوانین موضوعه به منظور جلوگیری از وقوع هرگونه اقدام نامطلوب و یا عدم انطباق با شرایط مطلوب مشتمل بر انحراف از قوانین و مقررات اصول حسابرسی و حسابداری که منجر به نظام مدیریت بهینه و جوه عمومی گردد، گفته می‌شود. هدف اقدامات پیشگیرانه دیوان محاسبات کشور بر اساس دستورالعمل تشکیل و فعالیت کمیته تعاملی پیشگیری از تخلفات به شرح زیر بیان شده است: پاسداری از بیت المال و جلوگیری از تضییع آن هدف از تشکیل کمیته می‌باشد که از طریق زیر انجام می‌پذیرد:

۱. توسعه و استمرار سیاستهای کاهش تخلفات مالی و محاسباتی دستگاههای اجرایی ناشی از عدم اشراف کامل مدیران به قوانین و مقررات.
۲. ممانعت از سوء استفاده از منافذ برخی قوانین و مقررات.
۳. تقویت سامانه کنترل‌های داخلی.
۴. پیشگیری از بروز رخداد موارد نقض قوانین و مقررات.
۵. توسعه و تقویت اثربخشی کارآمدی و بهره‌وری دستگاههای اجرایی.

#### ۷- ارکان رسیدگی دیوان محاسبات کشور

##### الف) دادرسی:

دادرسی دیوان محاسبات کشور، همانند دادرسیهای عمومی و انقلاب، عهده دار دریافت

شکایات و گزارش‌های نهادهای نظارتی مانند وزارت اطلاعات، سازمان بازرسی کل کشور، سازمان حسابرسی کشور و همه وزارت خانه‌ها و نهادهای دولتی درباره انجام سوء جریان مالی و تخلف از مصوبات مالی دولت می‌باشد. هم چنین در مواردی که دادستان صلاح بداند، می‌تواند شخصا یا با تفویض اختیار به یکی از دادیاران دادرسی دیوان به هریک از دستگاه‌های دولتی که احتمال نقض قوانین رادر آن دستگاه‌ها می‌دهد مراجعه کند. ماده ۲۱ قانون دیوان محاسبات کشور این اختیار قانونی دادستان را پیش‌بینی کرده است.<sup>۱</sup>

از دیگر اختیارات دادرسی دیوان محاسبات، ارجاع گزارش‌ها و شکایت‌های واصله به گروه حساب‌برسان دیوان محاسبات کشور جهت بررسی صحت و سقم گزارش رسیده و مورد سوء جریان مطرح شده مالی در شکایت یا گزارش توسط حساب‌برسان گروه حساب‌برسی دیوان و اعلام نظر این گروه به دادسرا، جهت تصمیم ماهوی در خصوص تعقیب ناقضان قانون می‌باشد.

سرآخراین که دادرسی دیوان محاسبات کشور، پس از تکمیل تحقیقات و جمع‌آوری مستندات، چنان چه تخلف مالی شخص یا اشخاص از موارد پیش‌بینی شده در قانون را تشخیص دهد می‌تواند با صدور دادخواست (کیفرخواست) تقاضای تعقیب قانونی مرتکبین تخلف را از هیات مستشاری دیوان تقاضا نماید.

نکته جالب توجه در نحوه عملکرد دادستان دیوان محاسبات کشور اینست که دادستان یا نماینده ایشان در همه مراحل رسیدگی در هیات مستشاری و محکمه تجدیدنظر و حاکم شرع، می‌توانند از مستنداتی که موجب صدور دادخواست علیه شخص خاطی شده است، دفاع کرده و در صورتی که نظر قضایی اعضای هیات مستشاری، دایر بر بیگناهی متهم بوده است، ولی این نظریه با نظر دادستان دیوان در تضاد باشد، دادستان مجاز است در مرحله بعدی رسیدگی نیز موضوع را در راستای استیفای حقوق بیت‌المال پیگیری نماید.

### ب) هیات‌های مستشاری و تجدیدنظر:

دیوان محاسبات کشور دارای حداکثر هفت هیات مستشاری می‌باشد. هر هیات مرکب از سه مستشار است که یکی از آن‌ها رئیس هیات خواهد بود، که توسط رئیس کل دیوان محاسبات کشور از بین افراد امین، متدین، کاردان، انتصاب و پس از تایید کمیسیون دیوان محاسبات و بودجه مجلس شورای اسلامی منصوب می‌گردند.

هیات‌های مستشاری، فعالیتی شبیه به دادگاه‌های کیفری و حقوقی را انجام می‌دهند و پس از دریافت دادخواست تنظیمی از سوی دادستان دیوان، براساس مستندات تهیه شده در مرحله دادسرا، اقدام به رسیدگی و احیانا احضار شخص متهم و انجام اقدامات قانونی در خصوص صحت و سقم ادعای دادستان در انتساب تخلف به وی و صدور حکم مقتضی می‌کنند.

۱. ماده ۲۱ - دادستان دیوان محاسبات کشور در حدود قوانین و مقررات مالی در حفظ حقوق بیت‌المال اقدام می‌نماید و در انجام وظایف خود می‌تواند به هر یک از دستگاه‌ها شخصا مراجعه و یا این مأموریت را به یکی از دادیاران محول نماید.



محکمه تجدیدنظر دیوان محاسبات کشور نیز همانند دادگاه‌های تجدید نظر استان در محاکم قضایی دادگستری، نسبت به پرونده‌هایی که از سوی هیات‌های مستشاری دیوان، منتج به صدور حکم گردیده و پس از ابلاغ به محکوم و دادستان، در مهلت مقرر قانونی، مورد اعتراض یکی از آن دو قرار گیرد، در مقام تجدیدنظر، رسیدگی و اتخاذ تصمیم می‌نماید. رای صادره از محکمه تجدیدنظر قطعی و لازم‌الاجرا خواهد بود.<sup>۱</sup>

### ج) گروه حسابرسان دیوان محاسبات کشور:

دیوان محاسبات کشور علاوه بر دادسرا و هیات‌های مستشاری، گروه حسابرسان نیز دارد که این گروه متشکل از تعدادی از حسابرسان متخصص می‌باشد. این حسابرسان به دو صورت انجام وظیفه می‌کنند:

- اعزام به اداره مربوطه و حسابرسی اسناد و مدارک مربوط به بودجه و هزینه کرد آن و بررسی موارد احتمالی تخلف از مصوبات قانونی به شرح موارد فوق الذکر و اعلام گزارش موارد سوء جریان به دادستان دیوان.
  - بررسی پرونده‌ها و گزارش‌های واصله از دادسرای و هیات‌های مستشاری دیوان و حسابرسی آن‌ها و اعلام گزارش موارد سوء جریان و تخلف متهم یا متهمین به مقامات ارجاع دهنده. مورد دوم بدین صورت است که چنان چه دادستان یا یکی از دادیاران دادسرا و نیز اعضای هیات مستشاری، برای رسیدگی ماهوی به موضوع، نیازمند حسابرسی باشند، مراتب را با ذکر دلیل یا دلایل مربوطه به صورت قرار به گروه حسابرسی دیوان منعکس می‌کنند و حسابرسان پس از وصول دستور و سوابق مربوطه، اقدامات لازم را انجام و در صورت مشاهده موارد تخلف از مصوبات قانونی، گزارش کار را جهت تصمیم قانونی به دادسرای هیات تقدیم می‌نمایند.
- نکته جالب توجه این است که باتوجه به این که حسابرسان دیوان، دارای رابطه استخدامی با دیوان بوده و حقوق و مزایا از دیوان دریافت می‌کنند، لذا کلیه اقدامات آنان در حسابرسی از اقدامات مقامات دولتی، رایگان بوده و وجه و هزینه‌ای از شخص متهم یا سازمان مورد حسابرسی دریافت نمی‌کنند. برعکس مراجع قضایی که در صورت تشخیص به لزوم ارجاع امر به کارشناس رسمی دادگستری در صلاحیت حسابرسی، دستمزد و حق الزحمه کارشناس منتخب مرجع قضایی براساس آیین‌نامه مصوب رییس قوه قضاییه با اصحاب دعوی خواهد بود.

۱. ماده ۲۸ - آراء هیات‌های مستشاری ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ به محکوم‌علیه از طرف وی و دادستان قابل تجدیدنظر است. مرجع تجدیدنظر منحصراً به موارد اعتراض رسیدگی و مبادرت به صدور حکم می‌نماید حکم صادره قطعی است. در صورتی که رأی صادره هیات‌های مستشاری مستند به قبول محکوم‌علیه و دادستان باشد و یا حضوری بوده و ابلاغ نیز واقعی باشد با انقضای موعود مذکور این رأی قطعی و لازم‌الاجراء خواهد بود. تبصره ۱ - مرجع رسیدگی به تقاضای تجدید نظر محکمه صالحه است که تشکیل می‌شود از یک نفر حاکم شرع به انتخاب شورای عالی قضایی و دو نفر از مستشاران دیوان محاسبات به عنوان کارشناس و به انتخاب رئیس دیوان که در پرونده مطروحه سابقه رأی نداشته باشند. محل تشکیل محکمه مذکور در تهران خواهد بود.

## د) هیات عمومی دیوان محاسبات کشور:

هیئت عمومی مستشاران دیوان محاسبات کشور با حضور حداقل سه چهارم از مستشاران اصلی دیوان محاسبات کشور با دعوت و به ریاست رئیس کل دیوان محاسبات کشور برای رسیدگی به موارد زیر تشکیل می‌گردد و تصمیمات هیئت عمومی با رأی اکثریت مطلق حاضرین در جلسه معتبر است:

۱. ایجاد هماهنگی و وحدت رویه در انجام وظایف هیات مستشاری.
  ۲. صدور رأی در خصوص تفریغ بودجه و گزارشهای نهایی آن.
- سایر مواردی که رئیس کل دیوان محاسبات کشور تشکیل هیات عمومی را لازم بداند.<sup>۱</sup>

## ۸ - مقایسه هزینه رسیدگی در دیوان محاسبات کشور و مراجع قضایی کیفری

### الف) صرفه جویی در هزینه اجرای تشریفات آیین دادرسی مدنی و کیفری:

همان گونه که مطرح شد، دستگاه قضایی دادگستری، برای رسیدگی به یک اتهام، نیازمند ساختار گسترده‌ای در سطح کشور می‌باشد. از تشکیل یک کلانتری در یک منطقه خاص از یک شهر و تامین تعداد مورد نیاز سرباز، درجه‌دار، افسر و تجهیزات خودرویی، ساختمان، الکترونیک، تسلیحاتی و... و سپس تامین دادسرا و دادگاه بدوی و تجدید نظر و به تعداد مورد نیاز قاضی (دادیار، باز پرس، دادستان، رییس دادگاه) و کارکنان دفتری (مدیر دفتر، منشی، بایگان، دادورز و...) و در مرحله نهایی تامین زندان و بازداشتگاه برای نگهداری بازداشتیان موقت یا محکومین به حبس و تامین قاضی ناظر زندان، نگهبانان و زندانبان، مددکاران، کارکنان بهداشت و...

این در حالی است که دیوان محاسبات کشور در راستای منع سیاست‌های کیفری و مجازات‌های خشن ( زندان، شلاق و...) در خصوص تخلفات مالی و جرایم اقتصادی علیه اموال دولتی و وجوه بیت‌المال، به جای این همه ساختار عریض و طویل دستگاه قضایی، خارج از تشریفات آیین دادرسی مورد عمل دادگستری، مبادرت به تشکیل پرونده برای متهمان و رسیدگی به اتهامات منتسبه و در نهایت صدور حکم به استرداد اموال حیف و میل شده و وصول خسارات وارده به بیت‌المال می‌نماید و از حیث ضمانت اجرای انجام این تصمیمات، مجازات‌های شبه کیفری نظیر توبیخ، کسر حقوق، اخراج، انفصال دائم و موقت از خدمات دولتی را اعمال می‌کند. تجربه ثابت کرده است در بسیاری از موارد دیده شده که یک مدیر دولتی که مرتکب اختلاس یا تصرف

۱. ماده ۳۶ - هیأت عمومی دیوان محاسبات کشور با حضور حداقل ۱۶ نفر اعضای اصلی هیأت‌های مستشاری با دعوت و به ریاست رئیس دیوان محاسبات کشور برای رسیدگی به موارد زیر تشکیل می‌شود:

الف - ایجاد هماهنگی در انجام وظایف هیأت‌های مستشاری.  
 ب - اظهار نظر در خصوص گزارش تفریغ بودجه و گزارش نهایی.  
 ج - اظهار نظر در آیین‌نامه‌ها و روش‌های اجرایی مربوط به نحوه کار دیوان محاسبات کشور.  
 د - سایر مواردی که رئیس دیوان محاسبات کشور تشکیل هیأت عمومی را لازم بداند.  
 تبصره - تصمیمات هیأت مذکور با رأی ۱۲ نفر از مستشاران حاضر در جلسه معتبر است. تاریخ جلسات هیأت عمومی و دستور جلسه به دادستان دیوان محاسبات کشور اعلام می‌شود. دادستان دیوان محاسبات کشور می‌تواند در مذاکرات هیأت عمومی بدون داشتن حق رأی شرکت نماید.

غیرقانونی در اموال دولتی شده، حاضراست پرونده اتهامی وی در دادسرای عمومی رسیدگی شود و منتج به صدور شلاق یا حبس گردد، ولی از سوی دیوان محاسبات کشور با محکومیت اخراج یا انفصال از خدمات دولت روبرو نگردد.<sup>۱</sup>

مجازات اخراج و انفصال موقت یا دایم از خدمات دولتی، از جمله مجازات مشترک در احکام صادره در هیات‌های مستشاری دیوان محاسبات کشور و دادگاه‌های کیفری می‌باشد، ولی رسیدگی در دیوان محاسبات ولو منجر به اخراج یا انفصال کارمند یا مدیر متخلف گردد، از برچسب‌زنی سنگینی که ناشی از رسیدگی در دادسرا و دادگاه کیفری بر متهم ایجاد می‌شود، کمتر می‌باشد. در رسیدگی دیوان محاسبات، هیچ‌گاه احضاریه به روشی که در مراجع قضایی برای متهم، شاهد و گواه صادره به وی یا خانواده اش در محل زندگی ابلاغ می‌گردد، صورت نمی‌پذیرد. بلکه دعوت شخص متهم از طریق مکاتبه با اداره محل اشتغال وی و به صورت کاملاً آبرومندانه صورت می‌پذیرد.

رسیدگی‌های دادسرا و دادگاه کیفری، مستلزم برگزاری چندین جلسه رسیدگی در مرحله تحقیقات مقدماتی و دادرسی در دادگاه بدوی و تجدیدنظر و صرف هزینه برای متهم، شاکی و شهود و گواهان است. اختصاص ده‌ها ساعت وقت توسط شاکی، متهم یا گواهان در مراحل دادرسی کیفری به حضور در مراجع قضایی ذیربط، موجب محروم شدن آن‌ها از حضور در فعالیت اقتصادی شان در محل کار و صرف هزینه‌های قابل تامل برای آنان از این طریق می‌گردد، ولی این جلسات متعدد رسیدگی در مراجع رسیدگی‌کننده دیوان محاسبات کشور اعم از دادسرا و هیات‌های مستشاری به هیچ وجه وجود ندارد. بلکه دیوان محاسبات براساس مستندات که مراجع نظارتی مالی نظیر سازمان حسابرسی و یا گروه حساب‌برسان خود دیوان محاسبات کشور به دادسرا ارائه می‌کنند، اقدام به تشکیل پرونده تخلفی مدیر دولتی و ارسال دعوت‌نامه برای وی می‌کنند و هزینه‌های گزافی که در مراجع قضایی از مرحله کلانتری (ضابطان) و دادسرا و دادگاه بدوی و دادگاه تجدیدنظر از بودجه عمومی کشور و از حیث محروم شدن اصحاب دعوی از فعالیت‌های اقتصادی‌شان ایجاد می‌شود، خبری نیست. لذا از این جهت نیز رسیدگی در دیوان محاسبات نسبت به رسیدگی در مراجع قضایی مقرون به صرفه‌تر خواهد بود.

### ب) عدم وجود معاذیر متفی کننده جرم در رسیدگی دیوان محاسبات کشور:

براساس مقررات قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲، در رسیدگی به اتهام یک بزه کار ممکن است معاذیری پیش‌بینی شده باشد که موجب می‌شود در حین رسیدگی طولانی و

۱. در همین راستا ماده ۳۰ قانون دیوان محاسبات کشور چنین می‌گوید:

«ماده ۳۰- رسیدگی به پرونده‌ها در هیات‌های مستشاری و محکمه تجدیدنظر، تابع تشریفات آیین دادرسی نبوده و هیات‌های مستشاری و یا محکم شرح از طریق دفتر دیوان محاسبات کشور، دستور تعیین وقت رسیدگی خواهند داد. دفتر بلافاصله به هرنحوی که ابلاغ وقت ممکن باشد، وقت رسیدگی را به اطلاع اشخاصی که حضور آنان در جلسه رسیدگی لازم است می‌رساند. هیات و یا محکمه پس از استماع نظر دادستان و یا نماینده او مبادرت به صدور رای و یا حکم می‌نماید. ابلاغ آرای هیات‌های مستشاری و محکمه تجدیدنظر نیز بلافاصله به ترتیب فوق انجام می‌گیرد...»

پرهزینه دستگاه عدالت کیفری به اتهام یک متهم، به یک باره، پرونده بایکی از این معاذیر مصرح در قانون مزبور مواجه شده و ادامه رسیدگی و نهایتاً جبران خسارات وارده به وجوه بیت‌المال و بودجه عمومی کشور، از طریق مرجع کیفری، منتفی یا موقوف گردد.

در اینجا به یک مورد از معاذیر پیش‌بینی شده در قانون مجازات اسلامی که عبارتست از مرور زمان مسقط دعوی، اشاره می‌شود. تا پیش از تصویب قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲، اکثریت جرایم تعزیری از جمله جرایم علیه اموال دولتی، نظیر اختلاس، تصرف غیرقانونی در اموال دولتی و... چنانچه در مواعید مصرحه در مواد ۱۷۳ و ۱۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ پیگیری نمی‌گردید، مشمول مرور زمان می‌گردید و نهاد دولتی زیان دیده از حیث و میل اموال دولتی از پیگیری پرونده کیفری و مجازات بزه کار و وصول مطالبات و خسارات وارده توسط وی از طریق صدور حکم در دادگاه کیفری محروم می‌گردید. البته با تصویب قانون مجازات اسلامی و پیش‌بینی عدم شمولیت مرور زمان نسبت به این گونه جرایم، آن دسته از جرایم مالی و اقتصادی که علیه دولت و نهادهای دولتی و عمومی، پس از تصویب این قانون واقع می‌شد، مشمول مرور زمان نمی‌گردید.<sup>۱</sup> ولی این قاعده نسبت به جرایمی که پیش از تصویب قانون اخیرالتصویب واقع شده بود، با استناد به لزوم تفسیر مضیق به نفع متهم، و اصل حاکمیت قانون زمان وقوع جرم، اعمال نمی‌گردید و قاضی رسیدگی‌کننده در مرجع کیفری در صورت ایراد کردن متهم یا وکیلش به شمولیت مرور زمان، ناگزیر از صدور قرار موقوفی تعقیب و مختومه کردن پرونده به این جهت می‌گردید. ولی این راه فرار قانونی برای ناقضان قانون، در رسیدگی دیوان محاسبات کشور مسدود است و چنانچه دادرسی دیوان به سوء جریان مالی در یک نهاد دولتی توسط مسوولی، اشراف بیابد، ولو این که سال‌ها از وقوع تخلف گذشته باشد، مجاز است برابر قانون، وارد رسیدگی شده و با تعقیب متخلفین، از طریق صدور دادخواست علیه اشخاص و طرح پرونده نزد هیات‌های مستشاری، درخواست صدور حکم مقتضی به رد خسارات وارده به دولت صادر نماید.

از دیگر معاذیر قانونی توبه، عدم سوء نیت و قاعده درء و سایر معاذیر پیش‌بینی شده در قانون مجازات اسلامی که قابل اعمال در پرونده‌های کیفری می‌باشد، قابل استناد در رسیدگی دیوان محاسبات کشور نبوده و به صرف احراز وقوع سوء جریان مالی در این مرجع، شخص خاطی مکلف

۱. ماده ۱۰۹ مجازات اسلامی - جرائم ذیل مشمول مرور زمان تعقیب، صدور حکم و اجرای مجازات نمی‌شوند:

- الف- جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور
  - ب- جرائم اقتصادی شامل کلاهبرداری و جرائم موضوع تبصره ماده (۳۶) این قانون با رعایت مبلغ مقرر در آن ماده
  - پ- جرائم موضوع قانون مبارزه با مواد مخدر
- جرایم اقتصادی که در قانون مجازات اسلامی و سایر قوانین کیفری پیش‌بینی شده است به قرار زیر می‌باشند:
- رشاء و ارتشاء، اختلاس، اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی، مداخله وزرا و نمایندگان مجلس و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری،
  - تبانی در معاملات دولتی، اخذپورسانت در معاملات خارجی، تعدیبات ماموران دولتی نسبت به دولت، جرایم گمرکی، قاچاق کالا و ارز، جرایم مالیاتی، پول شویی، اخلال در نظام اقتصادی کشور، تصرف غیرقانونی در اموال دولتی، عدم گزارش (اعلام جرم) نسبت به جرایم فوق از سوی مقامات مافوق دولتی و حکومتی و نهادهای نظارتی (سازمان بازرسی کل کشور، وزارت اطلاعات و...) در موارد ارتکاب این گونه جرایم و اطلاع از وقوع آن.

به جبران خسارات وارده به خزانه خواهد شد.<sup>۱</sup> زیرا جرایم مالی مشمول رسیدگی دیوان محاسبات کشور، اولاً در زمره جرایم مادی صرف بوده و مفروض قانونگذار در این نوع جرایم آن است که رکن معنوی (سوء نیت) به هنگام تحقق رکن مادی، وجود دارد پس نیازی به اثبات سوء نیت اشخاص از سوی دادستانی نزدهیات‌های مستشاری نمی‌باشد، ثانیاً نوع جرایم مالی همانند جرایم معین شده در حدود الهی نیستند که باتوبه یا شبهه مرتکب در موضوع یا حکم آن، متکی به قاعده دره، رسیدگی و اعمال مجازات منتفی گردد.

### ج) صرفه‌جویی در هزینه وصول مطالبات دولتی:

در بسیاری از موارد هنگامی که پرونده سوء استفاده مالی یک مدیر یا کارمند دولتی در دادسرا یا هیات مستشاری دیوان محاسبات مطرح می‌شود و شخص متهم با تکمیل بودن پرونده از حیث انتساب اتهام به وی روبرو می‌شود، آمادگی خود را برای استرداد وجوه برداشت شده از بیت المال، پیش از تصمیم‌گیری محکمه اعلام می‌نماید. در برخی موارد دیگر نیز که با انکار متهم همراه است و هیات مستشاری ناگزیر از انشای رای به محکومیت فرد می‌شود و پس از قطعیت حکم، پرونده به اجرای احکام دادسرای دیوان ارسال می‌شود. اجرای احکام با هماهنگی‌هایی که با سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و بانک مرکزی انجام یافته است، بدون فوت وقت همه اموال و دارایی‌ها و وجوه متعلق به محکوم علیه را در این نهادها شناسایی، توقیف و نهایتاً به نفع دولت واریزی نماید.

این اقدامات تقریباً شبیه به اقدامات دادیاران اجرای احکام کیفری و مطابق با تشریفات آیین دادرسی کیفری می‌باشد.

به عبارت ساده‌تر، قانون‌گذار برای جلوگیری از ارسال پرونده محکومیت به اجرای احکام دادسرای عمومی به منظور وصول مطالبات بیت المال و طی شدن مسیر دادرسی در دادسرای عمومی و اجرای احکام مربوطه، این اجازه را به دادسرای دیوان محاسبات داده است تا راساً، اقدامات پیش‌بینی شده در آیین دادرسی کیفری جهت وصول مطالبات دولتی را از طریق اجرای احکام همین دادسرا انجام دهد.<sup>۲</sup>

### د) ضمانت اجرای قانونی برخورد با ناقضان قانون:

به طور کلی ضمانت اجرای قانونی به سه دسته اداری، مدنی و کیفری تقسیم می‌شوند. ضمانت اجرای اداری یعنی مجازاتی که در قبال تخلفات اداری کارمند از سوی مراجع اداری یا انتظامی سازمان یا وزارتخانه متبوع، درباره او اعمال می‌شود و شکل‌های مختلفی از قبیل توبیخ

۱. ماده ۲۴ قانون دیوان محاسبات کشور - هر گاه ثابت شود که از ناحیه مسئولان بدون سوء نیت ضرری به بیت‌المال وارد شده است از طرف هیأت‌های مستشاری رأی به جبران آن طبق ماده ۲۸ این قانون صادر خواهد شد و...

۲. در این رابطه ماده ۳۳ قانون دیوان محاسبات کشور می‌گوید:

«ماده ۳۳ - مطالبات دولت ناشی از آراء و احکام قطعی صادره برطبق مقررات اجرایی احکام مراجع قضایی خواهد بود.»

شفاهی یا کتبی تا اخراج وی از محل کار را شامل می‌شود. ضمانت اجرای مدنی، ضمانت اجرایی است که در برابر اعمال زیان باریا نقض تعهدات افراد جامعه نسبت به یکدیگر قابل اعمال است و به شکل مسوولیت مدنی قهری یا قراردادی در قالب جبران خسارت بروز می‌کند. در نهایت این که ضمانت اجرای کیفری، زمانی مطرح می‌شود که یک مقرره کیفری نقض شود و تخلف مهمی از هنجارها و ارزش‌های اساسی جامعه انجام گیرد که اعمال واکنش اداری یا مدنی ناکافی باشد. در این هنگام باید عکس العمل شدید تری به شکل اعمال مجازات از قبیل اعدام، حبس، شلاق، جزای نقدی و... انجام شود. امروزه پذیرفته شده است که قلمرو جرم انگاری یعنی استفاده از ضمانت اجرای کیفری، باید به مواردی محدود شود که منافع اساسی و حیاتی آحاد مردم یا جامعه لطمه دیده باشد، در غیر این صورت برای حمایت از منافع غیر ضروری، صرف ضمانت اجراهای مدنی و در مواقعی اداری کافی است و نباید بدون دلیل، پای حقوق کیفری و سلاح مجازات رابه میان کشید.

به تعبیر کلارکسون برای کنترل رفتاری که می‌تواند به خوبی توسط دیگر رشته‌های حقوقی تحت نظم درآمد، نباید از حقوق جزا استفاده کرد. سیاست جنایی شورای اروپا از مدت‌ها پیش، بر این اصل متمرکز شده که حقوق کیفری آخرین حربه است. اگر نگاهی به فقه اسلامی ببینیم، می‌بینیم جرائم ثابت و مهم یعنی جرائم مستوجب حد و قصاص که بیانگر ارزش‌های اساسی مدنظر اسلام هستند به تعداد انگشتان دودست هم نمی‌رسند و باقی از جمله جرائم تعزیری است که اهمیت کمتری دارد. این امر وقت‌ی مهم است که بدانیم جرائم و مجازات‌های تعزیری در پایین‌ترین مرتبه طبقه بندی جرایم و مجازات‌ها از لحاظ شدت و ضعف قرار دارند. مهم آن که اعمال مجازات تعزیری از لحاظ فقهی دارای درجاتی است که در اعمال آن باید مراتب تعزیر از وعظ، تهدید، توبیخ، مجازات سبک و ... رعایت شود. به عبارت دیگر صرف وعظ یا تهدید یا توبیخ، مجازات تعزیری محسوب می‌شود. به هر حال با الگو قرار دادن همین مطلب که در فقه اسلامی جرائم مهم و سنگین به تعداد انگشتان هم نمی‌رسد، می‌توان در به کارگیری نوع ضمانت اجراها، احتیاط بیشتری نمود و تا حد امکان از ضمانت اجراهای غیر کیفری (اداری یا مدنی) استفاده کرد. این نکته را هم باید خاطرنشان کرد که اصل وجود ضمانت اجرای تنبیهی برای رفتار افراد، استثنا است و اصل بر آزادی عمل است. در میان ضمانت اجراها هم وجود ضمانت اجرای کیفری استثناست و اصل بر وجود ضمانت اجراهای دیگر (مدنی و اداری) است. در کتب حقوق کیفری از این اصل با عنوان «سیاست جرم‌انگاری تا حداقل ممکن» یاد شده است (پوربافرانی، حسن، ۲) قانون دیوان محاسبات کشور تلفیقی از ضمانت اجرای اداری، مدنی و کیفری را شامل می‌شود. با این تفاوت که کیفرهای پیش‌بینی شده در این قانون عاری از مجازات‌های کیفری صرف که موجب سلب حیات، آزادی بدنی یا آزار بدنی بزه کار می‌شوند، می‌باشد. ویژگی مجازات‌های تصریح شده در ساختار دیوان محاسبات، ناظر به پاسداری از اموال دولتی و بیت‌المال می‌باشد و به حقوق شخصی افراد و تجاوز احتمالی به این حقوق دخالت نمی‌کند. لذا احکام محکومیت صادره از هیات‌های مستشاری دیوان، محدود به جبران خسارات وارده به دولت یا رد اموال حیث و میل

شده و از حیث مجازات نیز توبیخ تا حکم به مجازات انفصال از خدمات دولتی است و از احکام حبس و شلاق و تبعید و ... در آرای دیوان محاسبات خبری نیست.<sup>۱</sup>

از دیگر ویژگی‌های رسیدگی دیوان محاسبات نسبت به تخلفات مالی مدیران دولتی در تضييع اموال، عدم توجه به عنصر روانی و نیت متخلف در تضييع اموال دولتی می‌باشد. وظیفه اصلی این مرجع عالی قانونی، لزوم استرداد وجوه و اموال تضييع بيت المال حتی در مواردی که شخص محکوم، فاقد سوء نیت در رفتار خود بوده است، می‌باشد.<sup>۲</sup>

### ۹- بررسی هزینه‌های دستگاه عدالت کیفری در رسیدگی به پرونده‌های ناشی از واگذاری شرکت‌های دولتی

در مسیر پاسخ به پرسش اصلی مندرج در بخش مقدمه راجع به اثر کاهش موارد صلاحیت دیوان محاسبات کشور پس از اجرای برنامه واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی (خصوصی‌سازی)، آیا هزینه دستگاه عدالت کیفری در رسیدگی به جرایم و تخلفات که در حدود صلاحیت دیوان محاسبات بوده است، لازم به ذکر است که در راستای تصمیمات مراجع قانونی اعم از مجلس شورای اسلامی، هیات وزیران و قانون اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی در طول سالیان گذشته تاکنون، شرکت‌های بسیاری که تمام یا بخش عمده سهام آن‌ها متعلق به سازمان‌های دولتی یا نهادهای عمومی غیردولتی بود، به بخش خصوصی واگذار گردید. برخی از مصادیق این واگذاری‌ها به شرح زیر می‌باشد:

مورداول - واگذاری شرکت دولتی بابت رد بخشی از دیون دولت به صندوق‌های بازنشستگی کشوری و سازمان تامین اجتماعی.

باتوجه به این که دولت بابت بازنشستگی کارمندان رسمی مستخدم خود از همراه حقوق و مزایای دریافتی آنان بخشی را در قالب حق بازنشستگی کسرمی کند و مکلف است بلافاصله این وجه کسر شده را به حساب صندوقی که به همین منظور در قانون پیش‌بینی شده و عهده‌دار

۱. تبصره یک ماده ۲۳ قانون دیوان محاسبات کشور در این باره چنین بیان می‌کند:

«ماده ۲۳ - هیات‌های مستشاری علاوه بر موارد مذکور در این قانون به موارد زیر رسیدگی و انشاء رای می‌نمایند...

تبصره ۱- هیات‌ها در صورت احراز وقوع تخلف، ضمن صدور رای نسبت به ضرروزیان وارده، متخلفین را حسب مورد به مجازات‌های اداری ذیل محکوم می‌نمایند:

الف- توبیخ کتبی با درج در پرونده استخدامی.

ب- کسر حقوق و مزایا حداکثر یک سوم از یک ماه تا یک سال.

ج- انفصال موقت از یک ماه تا یک سال.

د- اخراج از محل خدمت.

ه - انفصال دائم از خدمات دولتی.»

یکی از ویژگی‌های خاص رسیدگی‌های هیات‌های مستشاری، قطعی بودن برخی از آرای این هیات و عدم امکان تجدیدنظرخواهی از آن‌ها می‌باشد. تبصره ۲ همین ماده در این خصوص می‌گوید:

«تبصره ۲- آرای هیات‌های مستشاری در موارد بندهای الف و ب و ج تبصره یک این ماده قطعی و لازم الاجرا است...»

۲. ماده ۲۴ این قانون در این باره پیش‌بینی لازم رانموده است:

«ماده ۲۴- هرگاه ثابت شود که از ناحیه مسوولان، بدون سوء نیت ضرری به بیت المال وارد شده است، از طرف هیات‌های مستشاری، رای به جبران آن طبق ماده ۲۸ این قانون صادر خواهد شد...»

امور بازنشستگی دولتی، پس از پایان خدمت در دولت می‌باشد، واریز نماید، ولی رویه در برخی موارد به گونه‌ای دیگر بوده است. دولت پس از جمع شدن مبالغ کسورات کارکنان نهادها و سازمان‌های دولتی و عدم واریز این وجوه به حساب صندوق‌های بازنشستگی، پس از چند سال و عدم وجود اعتبار لازم برای تخصیص بودجه جهت واریز این وجوه به صندوق‌های بازنشستگی، اقدام به واگذاری سهام و مالکیت برخی از شرکت‌های تحت مالکیت خود به عنوان تسویه کسورات کسر شده بابت بازنشستگی کارمندان به این صندوق‌ها می‌کند و رویه عملی اینست که دولت‌ها در طول سالیان گذشته، بیشتر شرکت‌هایی را به صندوق‌های بازنشستگی واگذار می‌کردند که از حالت سوددهی خارج شده و یا یک شرکت ورشکسته محسوب می‌شدند و یا نزدیک به ورشکستگی بودند.

همین رویه شگفت‌انگیز دولت‌ها، علاوه بر صندوق‌های بازنشستگی، درباره ردیون دولت به سازمان تامین اجتماعی، بابت بستن‌کاری این سازمان از دولت به واسطه کسر حق بازنشستگی کارگرانی که در نهادهای دولتی براساس قانون کار و قانون بیمه تامین اجتماعی مستخدم بوده و کسریه و بازنشستگی داشته‌اند نیز اعمال شده است.

مورد دوم - در اجرای قوانین مرتبط از جمله قانون اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی، دولت مجاز گردید نسبت به واگذاری شرکت‌ها، کارخانه‌ها و بنگاه‌های اقتصادی تحت مالکیت خود به اشخاص حقیقی و حقوقی خصوصی اقدام نماید.

در هر دو این موارد، معضل بزرگی که نهادهای حسابرسی و نظارتی و قضایی با آن روبرو بودند، عدم رعایت تشریفات ارزیابی شرکت و کارخانه دولتی و واگذار شده به صندوق بازنشستگی یا بخش خصوصی یا سازمان تامین اجتماعی و نیز عدم رعایت قانون آمره مناقصات و مناقصات اموال دولتی و یاتبانی مسوولین متولی و واگذاری به بخش خصوصی با شخص خریدار و سایر جرایم اقتصادی در این رابطه و بالتبع حیف و میل اموال فروخته شده توسط خریداران و عدم پرداخت تمام یا بخشی از ثمن معامله توسط خریدار به دولت منجر می‌گردید که با دخالت نهادهای نظارتی مانند سازمان بازرسی کل کشور، یا بخش اقتصادی وزارت اطلاعات، پرونده‌هایی در دیوان محاسبات کشور مطرح می‌گردید. با تشکیل پرونده در این مرجع، از سوی شخص خریدار یا حتی نهاد دولتی فروشنده که مسوول مربوطه تحت تعقیب قرار می‌گرفتند، با مطرح نمودن این امر که صلاحیت دیوان محاسبات صرفاً در امور مالی است که سوء جریان مالی از بودجه کشور روی داده باشد و در پرونده حاضر، این شرکت دولتی به موجب اسناد ناقله، به بخش خصوصی واگذار شده و دیوان محاسبات، صلاحیت رسیدگی به اموال اشخاص حقیقی و حقوقی خصوصی را ندارند، تلاش می‌کردند تا پرونده متشکله به عنوان عدم صلاحیت مختومه گردد.

در برخی موارد نهادهای نظارتی با داوری قبلی، دیوان محاسبات را فاقد صلاحیت در رسیدگی به سوء جریان انجام یافته در واگذاری شرکت دولتی به اشخاص خصوصی می‌دانستند و شکایت یا گزارش خود بابت رسیدگی به نقض قوانین آمره در این واگذاری غیرقانونی را به دادسرای عمومی و انقلاب در دادگستری ارجاع می‌دادند.



دربسیاری از رسیدگی‌های مراجع کیفری به این گونه پرونده‌ها، به رغم وجود مستندات و مدارک محکمه پسند برای اثبات جرم مقصرین و ناقضان قانون و صرف وقت و هزینه گراف و اطاله دادرسی چندین سال و تبدیل شدن پرونده به چند صد و بلکه چند هزار برگ، نهایتاً به نتیجه مطلوب در استیفای حقوق تضییع شده بیت‌المال و مجازات مقصرین نرسیده است. در حالی که دیوان محاسبات مجاز به ورود به هر موضوعی که سوء جریان مالی علیه دولت رخ داده می‌باشد. زیرا در مواردی که شرکت، کارخانه یا بنگاه اقتصادی متعلق به دولت به اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی واگذار شده و مراجع حسابرسی و نظارتی متوجه حیف و میل اموال دولتی در این واگذاری و عدم استیفای حقوق دولتی می‌شوند، حتی اگر شرکت یا کارخانه واگذار شده، از مالکیت دولت خارج شده باشد، دیوان محاسبات کشور مجاز و مکلف به ورود به موضوع سوء جریان پیش آمده خواهد بود و همان گونه که در بالا به تفصیل بحث شده به جهت عدم وجود معاذیر قانونی در رسیدگی دستگاه دادگستری در دیوان محاسبات، مسلماً رسیدگی این مرجع با هزینه‌ای بسیار کمتر نسبت به رسیدگی مرجع کیفری و با صرف زمان و هزینه کمتر، نتیجه مطلوب دولت را در برخورد با ناقضان قانون به دنبال خواهد داشت و ادعای عدم صلاحیت دیوان محاسبات کشور در رسیدگی به چنین پرونده‌های، کاملاً مردود می‌باشد.

### نتیجه و پیشنهاد

در پیکار دستگاه قضایی با پدیده مجرمانه و بزه باید به یک اصل کلی توجه نمود و آن این است که آیا استفاده از نظام‌های کنترل کننده غیر کیفری مانند نظام اداری، انضباطی یا انتظامی موثرتر است یا اعمال کیفری؟ امروزه در سیاست جنایی اکثر کشورهای پیشرفته این اصل رعایت شده است و اصل حداقلی مجازات، جزو اصول اساسی سیاست جنایی این کشورها می‌باشد و در برخورد با بزه کاران، نخست روش‌های غیر کیفری اعمال می‌شود و در رفتارهای محدود مجرمانه از اعمال مجازات بهره برده می‌شود. در همین راستا برخورد با مجرمان اقتصادی نسبت به سوء استفاده آنان از اموال دولتی و بیت‌المال از طریق دیوان محاسبات کشور، یکی از روش‌های مورد تأیید سیاست‌گذاران جنایی بین‌المللی می‌باشد. در این روش به جای تعقیب کیفری مجرم و مجازات وی با حبس و شلاق و ... و صرف هزینه‌های گزاف در مسیر رسیدگی‌های قضایی صرف در دادگستری، روش رسیدگی‌های تخصصی و حرفه‌ای در دیوان محاسبات و استرداد وجوه و اموال برداشت شده به نفع دولت اتخاذ می‌شود.

مشکلی که در این مسیر پیش روی سیاست‌گذاران جنایی می‌باشد لزوم اطلاع‌رسانی برای مدیران نهادهای دولتی و عمومی غیردولتی و نیز قضات دادگستری و ضابطان و مراجع نظارتی از توان و استعداد دیوان محاسبات کشور در برخورد سریع، کم‌هزینه و بهینه با سوء استفاده‌کنندگان از اموال دولتی می‌باشد. تشکیل جلسات متعدد، کارگاه‌های آموزشی، برگزاری همایش و نیز اختصاص واحد درسی در دانشکده‌های حقوق به شرح وظایف و اختیارات دیوان محاسبات، می‌تواند در این راه کمک شایانی به کاهش هزینه‌های دستگاه قضایی در برخورد با

مجربان اقتصادی بکند.

دیوان محاسبات کشور می‌تواند با تنظیم مناسب سیاست‌های نظارتی نقش مهمی در مبارزه با فساد مالی و اداری ایفا کند. چنان چه این سیاست‌ها با اتکا به مطالعات علمی و دقیق صورت گیرد، براین اساس دیوان محاسبات کشور در ریشه‌کنی فساد در سطح منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی موثر خواهد بود.

دیوان محاسبات کشور به عنوان تنها دستگاه عالی نظارت مالی کشور در انجام مسوولیت‌های قانونی و کمک به ارتقای شفافیت و برقراری انضباط مالی و بهبود عملکرد و اطمینان از حسابدهی و پاسخگویی به دستگاه‌های اجرایی در جهت حفظ و صیانت از بیت‌المال و نیل به حاکمیت مطلوب در بخش عمومی با رعایت اصول اخلاق حرفه‌ای و به کارگیری فناوری‌های نوین و نیروی انسانی کارآمد ایفای نقش میکند.

بند ۱۹ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در خصوص شفاف سازی و سالم سازی اقتصاد و جلوگیری از زمینه‌های فسادزا است قوه قضاییه ضمن آنکه به وظایف خود برای مبارزه با مفاسد اقتصادی با جدیت و قدرت عمل خواهد کرد در عین حال از فعالیتهای سالم اقتصادی نیز حمایت می‌کند.

از طریق ارزیابی عملکرد و اعمال صحیح سیستم‌های کنترل مالی در دستگاه‌ها می‌توان از اجرای قوانین و مقررات مالی در دستگاه‌ها اطمینان حاصل کرد - مطمئن شد که از منابع مالی، فیزیکی و نیروی انسانی در دستگاه‌ها بهره برداری میشود.

تشکیلات حسابرسی و رکن قضایی دیوان محاسبات در سیستم کنترل مالی و ارزیابی عملکرد دستگاه‌ها، عامل مهمی در اجرای موثر نظامات کنترلی می‌باشند و اگر جایگاه تشکیلات حسابرسی و عملکرد و وظایف و اختیارات دیوان محاسبات به نحو صحیح تعیین و انجام نشود خسارات زایدالوصفی بر بیت‌المال و چرخه اقتصادی و اجتماعی مردم که بعضاً نیز ممکن است تبعات سیاسی داشته باشند.

یکی از نکاتی که در بخش مقایسه بین دیوان محاسبات کشور فرانسه با دیوان محاسبات ایران بررسی نمودیم و از شاخصه‌های اساسی دیوان محاسبات فرانسه می‌باشد، لزوم آگاهی رسانی اقدامات این دیوان به نشریات و مردم و شهروندان است. موضوعی که در روند رسیدگی دیوان محاسبات ایران، مغفول مانده است. این در حالی است که برابر تکلیف مصرح در تبصره ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، همه مراجع قضایی مکلف به انتشار حکم محکومیت‌های قطعی جرایم اقتصادی علیه دولت و برخی از جرایم دیگر پیش‌بینی شده در آن قانون در رسانه‌های گروهی می‌باشند. قاعدتاً موضوعی که از دیدگاه قانونگذار برای مراجع قضایی دادگستری، یک تکلیف می‌باشد، برای مراجع قضایی اختصاصی غیردادگستری، از جمله دیوان محاسبات کشور در رسیدگی و صدور حکم محکومیت اشخاصی که محکوم شده‌اند به طریق اولی یک تکلیف قانونی خواهد بود. لذا یکی از پیشنهادهای این مقاله لزوم اجرایی کردن این تکلیف قانونی در رابطه با احکام قطعی دیوان محاسبات در رسیدگی به تخلفات مالی کارکنان دولتی می‌باشد که مسلماً

آگاهی رسانی همگانی و نظارت عمومی بر رفتار مسوولان ، یکی از روش‌های قطعی پیشگیری از وقوع جرم بوده و هزینه این گونه برخورد با تخلفات مالی ( انتشار جرایم در رسانه‌های گروهی) درمقایسه با روش اعمال مجازات‌های کیفری ، هزینه بسیار کمتری برای دولت به دنبال خواهد داشت.

### منابع

۱. پوربافرانی، حسن، بایدها و نبایدهای جرم انگاری در حقوق کیفری ایران، مجلس و راهبرد، سال ۲۰، شماره ۷۵.
۲. حاجی‌پور، صدر، دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه اکس مارسی، سایت پارسینه، کد خبر: ۳۷۴۶۰، ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۰
۳. خبرگزاری ایرنا کد خبر ۸۰۲۰ ۹۲۹۰ ۱۱ تیرماه ۱۳۹۱.
۴. زینالی، امیرحمزه و بهرامی، هیمن ، جامعه شناسی مجازات، نشر خرسندی، چاپ نخست، ۱۳۹۶.
۵. عباسی، ابراهیم و غیره، تاثیر اقدامات پیشگیرانه دیوان محاسبات کشور بر کاهش تخلفات دستگاههای اجرایی کشور مجله دانش حسابرسی سال شانزدهم شماره ۶۲ بهار ۹۵ .
۶. علیزاده، احمد، سرگذشت دیوان محاسبات کشور و نحوه نظارت مالی بر دستگاههای دولتی مجله کانون وکلای دادگستری مرکز ۱۳۷۴، شماره ۱۶۳
۷. فرجیها، محمد، رویکرد عقلایی به مداخله‌های عدالت کیفری، مجله کارگاه ، ماره ۴ ، دوره دوم ، پاییز ۱۳۸۷ .
۸. قنبری، مجید، تصرف غیرقانونی در وجوه و اموال دولتی و عمومی ، نشر نوآور، چاپ نخست ، ۱۳۸۸ .
۹. مرادخانی، فردین و بنده علی، فرشید، مقاله صلاحیت دیوان محاسبات کشور در پاسداری از بیت المال فصلنامه علمی پژوهشی حقوق اداری سال ششم شماره ۱۶ پاییز ۱۳۹۷ .
۱۰. مرادیان ، زهرا ، نقش دیوان محاسبات کشور در تحقق اقتصاد مقاومتی (مطالعه موردی نظارت بر اجرای بودجه)
۱۱. مطالعه رابطه سازوکارهای کاربردی دیوان محاسبات کشور با پاسخگویی مسئولین دستگاههای اجرایی
۱۲. میرزاجانی، حمیدو غیره ، بررسی هزینه فایده اعمال حقوق کیفری در ایران و استرالیا، سایت سیولیکا، کد ۳۱۰
۱۳. هدایتی زفرقندی، محمد، مقاله نقش و کارکرد دیوان محاسبات در تحقق نظارت مالی ماهنامه پژوهش ملل دوره دوم شماره ۱۸ خرداد ۱۳۹۶ .
۱۴. وزین کریمیان، محمد و دیگران ، بررسی تناسب بین ساختار سازمانی دیوان محاسبات کشور باوظایف قانونی آن سومین کنفرانس بهبود و تحول اداری ، کدمقاله : ۰۳\_CAIT\_۱۸ .
۱۵. یکرنگی ، محمد، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ نخست، ۱۳۹۶ .